

زنگنه در اوایل دوره عباسی

با استناد خاص به شعر

احمد طاهری عراقی

طاهری عراقی، احمد، ۱۳۷۰-۱۳۲۲.	سرشناسه
Taheri-Iraqi, Ahmad	عنوان و نام پدیدآور
Zandaqa in the early Abbasid Period with special reference to	
Arabic poetry /by Ahmad Taheri-Iraqi.	
تهران: عهد الس، ۱۳۹۷.	مشخصات نشر
۳۱۰ ص.	مشخصات ظاهری
۹-۳۹-۷۴۸۶-۰۰۶۰-۹۷۸	شابک
فیبا	وضعیت فهرست نویسی
انگلیسی.	یادداشت
زندقه در اوایل دوره عباسی یا استناد خاص به شعر.	یادداشت
کتابنامه.	یادداشت
زندقه...	واژه و عنوان
زندقه	موضوع
Zandaqa	موضوع
بسیان -- تاریخ	موضوع
Abbasids -- History	موضوع
۱۳۹۶ ۹/۱۶ J ۲/BP	رده بندی کنگره
۱۳۹۷ ۲/۲۹۷	رده بندی دیویی
۵۰۰۹۵۱۶	شماره کتابشناسی ملی



۰۹۱۳۳۲۸۶۲۱۱

انتشارات عهد الس

Ahdealast.publish@gmail.com

زندقه در اوایل دوره عباسی

با استناد خاص به شعر

احمد طاهری عراقی

چاپ اول: ۱۳۹۷ شمارگان: ۳۰۰

قیمت: ۶۰۰۰۰ تومان

شابک: ۹-۳۹-۷۴۸۶-۰۰۶۰-۹۷۸

کلیه حقوق برای عرفان طاهری عراقی محفوظ است.

باسمه تعالی

پیشگفتار

کتابی که اینک در شمارگانی محدود به چاپ می‌رسد در اصل رسالهٔ دکترای دوست فاضل و ارجمند مرحوم احمد طاهری عراقی بود که با مرگ زودهنگام و نابهنگام خود در سال ۱۳۶۹ نه تنها اعضاء خانواده بلکه همهٔ دوستان و دوستداران خود را در ماتم و غم فرو برد. طاهری عراقی معاون علمی بنیاد دائرةالمعارف اسلامی بود. از هر کسی در کار خود آگاه‌تر و خبره‌تر بود. زحمتی که وی برای درآوردن اولین شماره «دانشنامهٔ جهان اسلام» کشید طاقت‌فرسا بود و در واقع بیماری لاعلاج او هم درست روز بعد از بیرون آمدن اولین جزوه آغاز شد. برخی از دوستان گفتند طاهری دق کرد. شاید اگر قدر زحمات او را دانسته بودند به این آسانی از پیش‌مانگی رفت. قدر ناشناسی نسبت به طاهری به حدی بود که حتی نام او را هم که در واقع ویراستار اصلی جزوه‌ها و بلکه مجلدات اولیهٔ دانشنامه بود، اندر روی جلد حذف کردند.

طاهری مظلوم زیست و مظلوم مرد. حق او به مراتب بیش از آن بود که به او داده شد. و این نه فقط به خاطر زحماتی بود که برای «دانشنامهٔ جهان اسلام» می‌کشید، بلکه همچنین به خاطر علم و معرفتی بود که در رشتهٔ خود کسب کرده بود. او متخصص تاریخ تصوف و عرفان اسلامی بود، ولی در شناخت منابع اسلامی کمتر کسی می‌توانست با او دم از برابری زند. تسلط او

هم به منابع پارسی و هم به منابع عربی در رساله‌ای که وی برای گذراندن دوره دکتری در دانشگاه ادینبورو (اسکاتلند) نوشته است کاملاً پیداست. این رساله که درباره زندگه و دین مانوی و تأثیر زندگه و ادبیات آن در ادبیات قدیم عربی، به خصوص در اشعار شعرای عهد عباسی، نوشته شده است در زمان تألیف منعکس کننده آخرین تحقیقاتی بود که درباره مانویت در زبانهای مختلف صورت گرفته بود. این رساله می‌بایست در همان زمان چاپ و منتشر می‌شد، ولی فروتنی بیش از حد مؤلف از یک طرف، و کمال‌جویی او از طرف دیگر موجب شد که این اثر ارزشمند در کتابخانه طاهری پنهان بماند و فقط برخی از محققان بتوانند از نسخه‌ای که در کتابخانه دانشگاه ادینبورو بوده استفاده کنند.

پس از درگذشت طاهری به ده که من اولین بار نسخه‌ای از این رساله را مشاهده کردم و پس از مطالعه غرضی از آن به فکر اقتادم که آن را در مرکز نشر دانشگاهی به چاپ برسانم. همان که من در اختیار داشتم نسخه‌ای بود که با ماشین تحریر تایپ کرده بودند و مؤلف هم مواردی را تصحیح کرده بود. رساله در وضعی نبود که بتوان عیناً آن را چاپ کرد. حروفچینی کامپیوتری تازه باب شده بود و من کار حروفچینی را به خانم فرزانه شریفی که در تایپ لاتین خبرگی داشت سپردم. متأسفانه وقتی که من مرکز را ترک کردم توفیق چاپ و نشر این کتاب به آن مؤسسه دست نداد. اما این به من در سال گذشته در ضمن مطالعاتی که درباره دین مانوی می‌کردم، عساقه‌ای بیشتر به دنبال این کتاب رفتم و بار دیگر کار دوست مرحوم دکتر طاهری مرا به شگفتی افکند و در صدد برآمدم هر طور که شده است این اثر را به چاپ برسانم. البته، در طی این چند دهه‌ای که از تألیف این اثر می‌گذرد، تحقیقات تازه‌ای درباره دین مانی به زبانهای اروپائی و همچنین پارسی انجام گرفته

است، ولی این اثر هنوز هم به عنوان اثر مهم تحقیقاتی شأن و منزلت خود را حفظ کرده است. و چیزی که باعث تأسف است این است که چون این اثر به چاپ نرسیده بوده است محققان نتوانسته‌اند از حاصل تحقیقات دکتر طاهری استفاده کنند. امیدواریم که با چاپ این اثر به زبان انگلیسی توانسته باشیم دسترسی به این اثر را برای محققان آسان‌تر کرده باشیم و در ضمن توجه متوجه شویم. برای برگرداندن آن به زبان پارسی جلب کرده باشیم. البته، مقدمه انگلیسی این اثر قبلاً به پارسی ترجمه شده است.

در خانه جا برد از همسر مرحوم احمد طاهری عراقی، خانم ژاله جوادی (طاهری عراقی)، فرزندان و عرفان که اجازه نشر اثر را به ما دادند و همچنین برادر مرحوم طاهری آقای دکتر حامد طاهری عراقی که یادداشتها و تصحیحات خود مرحوم طاهری را در اختیار ما قرار دادند تشکر کنیم.

نصرالله پورجوادی

تهران، آذرماه ۱۳۹۶

مقدمه مؤلف

کلمه «زندیق» یکی از اصطلاحات پراستعمال و پراهمام در تاریخ تفکر اسلامی است. در قرن دوم هجری / هشتم میلادی، در اوایل دوره عباسی، جنبشی با عت آیز برخاست که به «زندقه» مشهور شد و پیروان آن «زندیقان» یا «زندو» نامیده شدند. زندقه در میان شاعران و نویسندگان و متکلمان و درباریان آن زمان نفوذ پیدا کرد، و این مدت‌ها قبل از آن بود که زنداقه در عهد خلافت مه‌ی مراد تقیب و آزار رسمی واقع شوند. البته، این آزارها نتوانست به ریشه کن شدن آن انجامد.

ماهیت زندقه، به خلاف اکثر جنبشهای با عت آمیز و مذهبی-سیاسی، و جایگاه اجتماعی آن در پرده ابهام است. این امر ناشی از عوامل مختلفی است که یکی از آنها ابهام خود کلمه است. اگرچه کلمه «زندقه» در ابتدا، در عهد ساسانی، به منزله صفتی تحقیرآمیز برای مانویان به کار می‌رفت، استعمال آن در دوره اسلامی وسعت یافت و مساحتاً برای ثنویان گنوسی و احیاناً تعطیل یا لادری‌ها و ملحدان و حتی آزاداندیشان و عیاشان نیز به کار رفت. و بالاخره در دوره بعد، که تا روزگار کنونی نیز ادامه یافته است، «زندقه» مترادف با «بی‌دینی» شد.

تحقیق درخصوص «زندقه»، هم در منابع ایرانی و هم در منابع اسلامی، نخست به اهتمام شرق‌شناسان اروپایی آغاز شد. تحقیق درباره مانویت، که از

ابتدای قرن هجدهم میلادی آغاز شد، در قرن نوزدهم و اوایل قرن بیستم توسعه یافت و «زندقه»، به منزله بخشی از تاریخ مانویّت، توجه برخی از محققان را به خود جلب کرد. این تحقیقات با انتشار منابع عربی تسهیل شد. یکی از برجسته ترین نمونه های این نوع تحقیقات تصحیح و نیز ترجمه و شرح فصل مربوط به مانویّت در کتاب الفهرست ابن ندیم به قلم گوستاو فلوگل (۱۸۶۲) بود. این کتاب و فقراتی از آثار نویسندگانی از قبیل بیرونی و شهرستانی، ماهیت مانویّت و زندقه را تا اندازه ای روشن کردند. تحقیق کنراد کسلر با عنوان «مانوی؛ تحقیق درباره دین مانوی»، که در ۱۸۸۹ منتشر شد، همه متون شناخته شده مربوط به مانویّت در زبان عربی را جمع آورده است.

در حدود نیمه نخست قرن بیستم پیشرفتی چشمگیر در مطالعه مانویّت رخ داد که عمدتاً ناشی از کشف نسخه های خطی به زبانهای ترکی و قبطی و ایرانی و تحقیق خاورشناسانی بود که سواد ناقصی منتشر کردند یا مطالب مختلف مانوی را مطالعه کردند. این مطالعات، نوی اگرچه عموماً به بحث از مانویان در دوره اسلام اختصاص ندارد، به کمک می کند تا فهم بهتری از مسئله «زندقه» پیدا کنیم.

ریشه شناسی کلمه «زندیق» در اوایل قرن نوزدهم و ضمیمه مطالعه قرار گرفته است. به دلیل علاقه زبان شناسان به زبانهای ایرانی و به تبع آن انتشار متون اوستایی و پهلوی و تحول لغت شناسی ایرانی، معنای این کلمه تا حدودی روشن گردید. در سال ۱۸۵۳، فریدریش اشپیگل مقاله ای با عنوان «زند و زندیق» منتشر کرد و در آن میان کلمات «زند» و «زندیق» رابطه ای پیشنهاد کرد و آنها را با «گنوسیس» و «گنوستیکوس» در یونانی مقایسه کرد. کارل فولرس نیز از این نظر حمایت کرد. در سال ۱۸۸۴، جیمز دارمستر در مقاله ای با عنوان «زندیک» فرضیه بدیلی پیشنهاد کرد. ا. صدیق در

مقاله‌ای درباره حرف «ق» در عربی، که در چهارمین همایش خاورشناسی (نوامبر ۱۹۲۶، دانشگاه الله‌آباد) ارائه شد، کلمه «زندیق» را بررسی و اندیشه‌های تازه‌ای در این باب مطرح کرد. و بالاخره ه. ه. شیدر در جامعترین تحقیقی که با عنوان «زندیک - زندیق» انتشار داد، فرضیه‌های قبلی را مرور کرد و نمونه‌هایی از استعمال این کلمه در متون پهلوی به دست داد و بر وجود رابطه ریشه‌شناختی میان «زند» و «زندیق» صحه نهاد.

به رتقدیر، هم مطالعات مانوی و هم مطالعات ریشه‌شناختی درباره کلمه «زندقه» که عمدتاً در دوره میان دو جنگ شکوفا شد، مسئله «زندقه» را تا حدرد قابل توجهی روشن کرد و درحقیقت راه را برای اسلام‌شناسانی هموار کرد که در عصر مسئله «زندقه» کار کرده‌اند.

مطالعه جدی درباره «زندقه» و «زندیقان»، آنهم در اوایل دوره عباسی عمدتاً در آخرین دهه قرن نوزدهم آغاز شد. ایگناتس گولدتسیهر در ۱۸۹۲ مقاله‌ای با عنوان «صالح بن عبداللّه و زندقه در دوران خلافت المهدی» در «نهمین همایش بین‌المللی خاورشناسان» زائت کرد. این مقاله علاوه بر ابن‌قدّوس به بررسی برخی خصوصیات زندقه، در اوایل دوره عباسی نیز می‌پرداخت. در دیگر آثار عالمانه گولدتسیهر، به‌ویژه در شاهکارش، مطالعات اسلامی، اشارات ارزشمندی به «زندقه» دیده می‌شود. مقاله کلیمان هوار خطاب به «یازدهمین همایش بین‌المللی خاورشناسی» (پاریس، ۱۸۹۷) با عنوان «زندیق در فقه اسلامی» صرفاً بررسی تحلیلی رساله‌ای درباره زندقه به قلم کمال پاشازاده است. انتشار متون عربی در چهار دهه بعد، که از جمله مهمترین آنها الردّ علی‌الزندیق للعلین ابن مقفّع به قلم قاسم بن ابراهیم (۸۶۰-۷۸۵/۲۴۶-۱۶۹) به تصحیح و ترجمه مایکل آنجلو گویدی (رم، ۱۹۲۷) به ایتالیایی است، به مطالعه زندقه شتاب داد. پاره‌هایی از رساله

مفقود این مقفع دربارهٔ مانویّت که در این کتاب نقل شده به آن اهمیت خاصی می‌بخشد. ه. س. نیبرگ در مقاله‌ای به نقد و تحلیل این کتاب پرداخت که خود می‌تواند مساهمتی در مطالعهٔ زندقه محسوب شود. لویی ماسینیون در سال ۱۹۲۲ از مسئلهٔ زندقه در دورهٔ عباسی و رابطهٔ آن با تصوف در مصائب حسین بن منصور حلاج (ج ۱، ص ۴۳۳-۴۲۵) بحث کرد و خلاصه‌ای از مطالعهٔ او دربارهٔ زندقه در سال ۱۹۳۴ در مقالهٔ «زندقه» در *دایرةالمعارف اسلام* منتشر شد. ه. ه. شدر در مقاله‌ای مختصر دربارهٔ «مانوی و مسلمان» که به «پنجمین همایش خورشیدی آلمانی دانشگاه بُن» (اوت ۱۹۲۸) ارائه شد بر وجود عناصر گنوسی در زندقه تأکید کرد. بررسی تطبیقی جورج وجده در سال ۱۹۳۸ در مقاله‌ای با عنوان «زندیقان سرزمینهای اسلامی در دورهٔ عباسی» منتشر شد. این مقاله بیشتر به بحث دربارهٔ «تاریخ بیرونی» زندقه اختصاص دارد تا امور کلامی. بدین طریق، از آثار زنداقه بحث و نمونه‌هایی از برخی زنداقه بررسی می‌شود. وجده مقاله‌اش را با ترجمه و شرح قسمتی از فهرست ابن ندیم مربوط به مانویّت در دورهٔ عباسی و به دست کسانی که به زعم او زندیق بودند آغاز می‌کند. سپس از آزار رسمی در اثناء حکومت مهدی بحث می‌کند - منبع عمدهٔ او در اینجا گزارشهای طبری است - و سپس به بررسی برخی مثالهای فردی از زنداقه می‌پردازد. کمبود اسناد و وسایل بهیام در بسیاری موارد وجده را از رسیدن به نتیجه‌ای با هر درجه از یقین ازمی‌دارد، اگرچه او فرضیاتی از قبیل رابطه میان زندقه و شیعه و شعوبیه پیش می‌کشد. از سال ۱۹۴۰ به بعد تحقیقات اندکی دربارهٔ این موضوع منتشر شده است، با یک استثناء مهم یعنی مقالهٔ فرانچسکو گابریلی با عنوان «زندقه در قرن اول عباسی».

تحقیقات دیگر به عربی و فارسی که می‌توان آنها را جدی قلمداد کرد یا

ترجمه‌هایی است از آثار پیشگفته خاورشناسان، مانند کتاب عبدالرحمن بدوی، من تاریخ الالحاد فی الاسلام (۱۹۴۵)، یا گردآوری‌هایی است مبتنی بر این آثار، مانند کتاب احمد امین ضحی الاسلام (قاهره، ۱۹۳۸؛ ج ۳، ص ۸۳-۷۴) و مقاله عبدالحسین زرین کوب، «زندقه و زنداقه» (راهنمای کتاب، ج ۷ (۱۳۴۴)، صص ۲۷۱-۲۶۲). در این گردآوری‌ها و اقتباس‌ها هیچ تحقیق جدیدی در زمینه زندقه صورت نگرفته است.

✱

نخستین منابع به سه دسته تقسیم می‌شود: تاریخی و ادبی و دینی. منابع تاریخی درباره آزار زنداقه اطلاع مختصری می‌دهند. از میان این منابع تاریخ طبری (متوفی ۹۲۰/۹۱۹) حائز جایگاهی مهم است، چون شامل اطلاع نسبتاً بیشتری درباره آزار و نام‌های زندیقان بازداشت شده است. الوزراء والکتاب جهشیاری (متوفی ۹۴۹/۳۱۱) در درجه دوم اهمیت است و شامل برخی اطلاعات ارزشمند درباره آزار است. کتابهای تاریخی دیگر، از قبیل تاریخ یعقوبی (متوفی ۸۹۷/۲۸۴)، تاریخ مودعی از دی (متوفی ۹۴۶/۳۳۴)، مروج الذهب مسعودی (متوفی ۹۵۶/۳۴۵)، البدای والنهایه مقدسی (قرن چهارم/دهم) گزارشهای بسیار مختصری درباره زنداقه و آزار آنان به دست می‌دهند. منابع بعدی، از قبیل الکامل ابن اثیر (متوفی ۱۲۱۰/۶۱۰) و البدایه والنهایه ابن کثیر (متوفی ۱۳۷۲/۷۷۴) هیچ چیز تازه‌ای به ما نمی‌دانند، چون گزارشهای آنها عمدتاً تکرار منابع پیشین است. آثار تاریخی بیرونی (متوفی ۱۰۴۸/۴۴۰)، آثار الباقیه و تحقیق ماللهند، اگرچه مستقیماً به زندقه مربوط نمی‌شود، مطالبی ارزشمند درباره مانویّت در اختیار ما قرار می‌دهد که خود برگرفته از کتابهای مانوی عربی است، کتابهایی که در زمان مؤلف در دسترس بوده‌اند.

یکی از مهمترین منابع ما الفهرست ابن ندیم (متوفی ۳۸۵/۹۹۵) است. در قسمتی از فصل نهم این کتاب، ذیل عنوان «مانویّت» (مذهب المنانیه) می‌توان شرح حال مانی و فهرستی از کتابهای او را همراه با شرحی دربارهٔ مانویّت و آموزه و اساطیر و مناسک آن یافت. اما آنچه از جهت مقاصد ما مهمتر است گزارشی است دربارهٔ رهبری مانویان (امامت) بعد از مانی، که اطلاع بی‌نظیری دربارهٔ رهبری مانویان در عراق در دورهٔ اسلامی به دست می‌دهد. و باز خره، فهرستی از مسلمانان متهم به زندقه (مانویّت) وجود دارد. این فهرست «متجانس»، صفاتی که لویی ماسینیون بر آن نهاده، باید بررسی انتقادی شود، زیرا در تنها در بسیاری از موارد را نمی‌توان مصداق اصطلاح «زندقه» دانست، بلکه فهرست نیز کامل نیست چون نام بسیاری از زندیقان را که در منابع به آنها اشاره شده از قلم انداخته است. به هر تقدیر، گزارشهای ابن ندیم دربارهٔ مانویّت که به تنقیماً از کتابهای مانوی عربی گرفته شده‌اند از جمله قابل اعتنا ترین اطلاعات دربارهٔ مانویّت است و دیگر آثار مانوی کشف شده در ابتدای این قرن به خطبای آنها را تأیید می‌کند. اهمیت این فصل از کتاب الفهرست در موثق بودن اطلاعات آن است. همین فصل یا باب است که گوستاو فلوگل در ۱۸۶۲ تصحیح و شرح کرده و بر آن تعلیق نوشته است. فلوگل ده سال بعد تصحیحی ستودنی از کل متن الفهرست منتشر کرد. تصحیح اخیرتر رضا تجدد (تهران، ۱۳۵۰)، که ما در این کتاب به آن استناد کرده‌ایم، اگر چه مبتنی بر نسخه‌ای بهتر است، از قرائت نادرست و اغلاط چاپی خالی نیست.

در میان منابع غیرعربی باید از وقایعنامه میکائیل سُرّیانی (۱۱۹۹-۱۱۲۶ میلادی)، بطریق کلیسای یعقوبی در انطاکیه، نوشته شده در حدود سال ۱۱۹۰ میلادی (۵۸۶ هجری)، نام برد. گزارشی که میکائیل از

آزار دینی به دست می‌دهد جالب توجه است، زیرا در منابع عربی یافت نمی‌شود، چون یا بر آنها پوشیده بوده، یا از آن غفلت کرده‌اند. همین گزارش در کتاب سُرّیانی متأخری متعلق به ابن عبری (متوفی ۱۲۸۶ میلادی ۶۸۵ هجری) به اغلب احتمال از وقایعنامه میکائیل گرفته شده است.

درخصوص ابعاد کلامی زندگه، منابع معاصر بسیار ضعیف است. نه تنها هیچ ردّیه‌ای از رسائل عربی مانوی وجود ندارد، بلکه اکثر ردّیات اسلامی که در اوایل دوره عباسی بر آنها نوشته شده نیز باقی نمانده است. به هر تقدیر، مسائل عمده ردّیه‌ها بحث زندیقان مانوی را در غالب کتابهای کلامی نسل بعد از قبیل مالک الاسلامین اشعری (متوفی ۳۲۴/۹۳۵) و التوحید ماتریدی (متوفی ۳۳۳/۹۶۴)، الواحید صدوق (متوفی ۳۸۱/۹۹۱) و التمهید باقلانی (متوفی ۴۰۳/۱۰۱۳) می‌توان یافت. یکی از نخستین ردّیاتی که باقی مانده (و گوییدی آن را در سال ۱۲۲۷ منتشر کرده) الرد علی زندیق اللعین، ابن مقفع، نوشته امام قاسم بن ابراهیم است که به برخی از استدلالهای زنادقه را بازگو می‌کند. کتاب الانتصار، ردّیه منکلم معتزلی ابوالحسن خیاط (متوفی بعد از ۳۰۰/۹۱۲) بر ابن راوندی (متوفی حدود ۲۵۰/۸۶۴) تصحیح ه.س. نیبرگ (۱۹۲۵) نیز شامل برخی اخبار دربارهٔ ارای زندیقان مانوی است.

گذشته از بسیاری از آثار کلامی معتزله، اشاعره و شیعه، برخی رسائل اهل حدیث نیز دارای اهمیت بسیار است. نخستین این رسائل را الرد علی الزنادقه و الجهمیه به قلم امام ابن حنبل (۲۴۱-۱۶۴/۸۵۵-۱۰۰) است که اندیشه‌های به اصطلاح زندیقان درخصوص تأویل قرآن را رد می‌کند. اگرچه ابن حنبل و نیز دارمی (متوفی ۲۸۰/۸۹۴) در الرد علی الجهمیه و ملطی (متوفی ۳۷۷/۹۸۷) در التنبيه والرد علی اهل الاهواء والبدع دایره استعمال کلمه «زندیق» را گسترش دادند و آن را به برخی فرقه‌های اسلامی نیز اطلاق

کردند، این کتابها برای نشان دادن تأثیرات به جا مانده از زندقه و نفوذ محتمل آن در برخی بدعتهای اسلامی مفید است.

پاره‌ای از گفت‌وگوهای میان متکلمان مسلمان و زنداقه در برخی از کتابهای حدیث شیعه نیز ثبت شده است، از قبیل الکافی کلینی (متوفی ۳۲۹/۹۴۰)، التوحید صدوق (متوفی ۳۸۱/۹۹۱) و الاحتجاج علی اهل اللجاج طوسی (تقریباً ۵/۱۱)، و نیز در برخی منابع ادبی و تاریخی مانند الحیوان جاحظ و عیون الاخبار ابن قتیبه و الفهرست ابن ندیم. این مباحثات حاکی از دیدگاههای مانوی و زندیقان لادری است.

از کتابهای ملل و نحل برخی مطالب ناقص را می‌توان گرد آورد. گذشته از خبر کلی دربارهٔ مانویت، اندیشه‌های برخی از مسلمانان اهل بدعت مشهور به زندیق در الفرق بین الفرق بغدادی (متوفی ۴۲۹/۱۰۳۷) و الفصل فی الملل والاهواء والنحل ابن حزم (متوفی ۴۵۶/۱۰۶۳) و الملل والنحل شهرستانی (متوفی ۵۴۸/۱۱۵۳) دیده می‌شود. از آنجا که خبر داده شده در این منابع مبتنی بر آثار مفقود پیشین است، این اخبار ارزشمند است. منابع مربوط به ملل و نحل نیز برای دنبال کردن تأثیرات مانوی در برخی نخستین مبتدعان اسلام مفید است.

منابع دسته سوم، یعنی آثار ادبی نیز مهم است، زیرا اکثر زندیقان را در میان شاعران و نویسندگان می‌توان یافت. منابع درجهٔ اول برای شاعران، که مجموعه‌های اشعار خود ایشان است، غالباً مفقود است. نه تنها آثار شاعران کمتر شناخته شده، بلکه حتی آثار شاعران برجستهٔ اوایل دورهٔ عباسی نیز به صورت کامل باقی نمانده است. در حالی که فقدان آثار یک شاعر مانعی بزرگ بر سر راه فهم اندیشه‌ها و آراء اوست، می‌توان از پاره‌های باقیاندهٔ اشعار او و گزارشهای احوال او در منابع ادبی تصویری از شاعر به دست آورد.